روایت روز

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

درباره غلامرضا منصوری که از اولین روزهای شهرت تا لحظه مرگ ۲ هفته عجیب را گذراند

در روزهای اوج گرفتن دادگاه اکبر طبری، معاون اجرایی سابق قوه قضائیه، و تمرکز همه رسانه‌ها روی این پرونده و جزئیات دادگاه او، نام فردی به نام غلامرضا منصوری به عنوان یکی از افراد دخیل در پرونده طبری شنیده شد که متهم به دریافت ۵۰۰ هزار دلار رشوه و بعد هم فرار از ایران بود. این خبر که شبیه خبرهای مشابه می توانست پس از چند روزی حاشیه آفرینی در سکوت فرو برود، به سرنوشت دیگری دچار شد. غلامرضا منصوری پس از انتشار نام و تصویرش در رسانه‌ها، با انتشار ویدئویی گفت که کار خلافی انجام نداده است و به علت انتشار گسترده ویروس کرونا قادر به بازگشت به ایران نیست و بلافاصله پس از اتمام این وضعیت به ایران برخواهد گشت و از خود دفاع خواهد کرد. این اظهار نظر شروع ماجراهای بعدی بود که در آخرین گام با خبر مرگ او همراه شد. خبری که باعث شد تا در این مطلب اتفاقات مربوط به غلامرضا منصوری، از روزهای اول تا لحظه مرگ و ماجراهای پس از آن، را مرور کنیم.

سرشناس!

غلامرضا منصوری که تازه ۲ هفته پیش نامش بر سر زبان‌ها افتاد و با کمک فضای مجازی عکس و مشخصاتش در اختیار همه قرار گرفت، به ۲ دلیل، بیش از حالت عادی دیده شد. اول اینکه خلاف رویه کسانی که نامشان به عنوان مفسد اقتصادی فراری از ایران شنیده می‌شود و بعد هم هیچ خبری از آنان نمی‌شود و به زندگی شان در خارج از کشور ادامه می‌دهند، قاضی غلامرضا منصوری سریعا فیلمی منتشر کرد و در آن خود را از همه اتهامات مبرا دانست و با اعلام خبر بازگشتش به ایران جو رسانه‌ای عجیبی برای خود ساخت. جو رسانه‌ای که به کمک شناخته شدن او بود برای اهالی رسانه بیشتر هم داغ شد. چرا که قاضی منصوری دوره زیادی از کارش در قوه قضائیه را مشغول برسی اتهامات و اتفاقات مربوط به رسانه‌ها و افراد رسانه‌ای بود و نقل خاطرات خوب و بد روزنامه‌نگاران از او در این ۲هفته قاضی منصوری را به یک مورد عجیب تبدیل کرد؛ مورد عجیبی که هر چه می گذشت عجیب‌تر هم می‌شد.

عجیب‌وعجیب‌تر

هرچند رفتار قاضی منصوری در انتشار فیلم از خودش عجیب بود و هر چند کشوری که برای رفتن از ایران انتخاب کرده بود -یعنی رومانی- کشوری نبود که افرادی با اتهامات شبیه او به آنجا بروند و هرچند که انتشار عکس‌هایی از او با چهره‌ای متفاوت ماجرا را عجیب‌تر می کرد، عجیب‌ترین اتفاق جایی افتاد که اعلام شد دولت رومانی و پلیس این کشور قاضی منصوری را بازداشت کرده است. پس از این بود که ۲ قضیه در رسانه‌ها مطرح شد. یکی شکایت بعضی روزنامه‌نگاران در خارج از کشور و احتمال بررسی اتهامات او در دادگاهی در کشور رومانی یا آلمان. خبر دیگر هم پیگیری پلیس ایران از طریق اینترپل و درخواست دولت رومانی از ایران برای تحویل مدارک و مستندات علیه منصوری برای بازگرداندن او به ایران بود. خبر بازگشت یک متهم به فساد مالی سال‌ها بود که به یک لطیفه تبدیل شده بود و هر فراری فاسد اقتصادی که از ایران می‌رفت به موجودی تقریبا دست نیافتنی برای همیشه تبدیل می‌شد. این اتفاق همان‌قدر عجیب بود که احتمال محاکمه قاضی منصوری در دادگاهی در کشوری دیگر و به جرمی که دقیقا معلوم نبود چیست عجیب بود. اما همه این عجایب و مهلت دادن‌ها و صحبت از امکان برای بازگشت او به ایران با خبری از بین رفت. خبری که خود یک داستان دنباله‌دار را از ۲ روز پیش آغاز کرده است.

پرت‌شدن یا پرت کردن؟

هرچند که فعلا دولت‌ها موضع گیری رسمی یا اظهار نظر محکمی درباره خودکشی یا قتل غلامرضا منصوری نداشته‌اند، رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی هر کدام فرضیاتی را مطرح کرده‌اند که البته همه در حد حدس و گمان است. عده‌ای از احتمال قتل او به دست مافیایی که نمی‌خواسته است اطلاعات احتمالی منصوری در جایی فاش شود گفته‌اند؛ روزنامه‌نگارانی در داخل احتمال قتل او توسط سازمان منافقین را مطرح کرده‌اند؛ عده‌ای هم با توجه به عکس‌هایی از هتل محل اقامت او خودکشی را محتمل دانسته‌اند.

در بین مقامات حسام‌الدین آشنا که چند روز پیش توئیت کرده بود: «عجب تاریخی بشود تاریخ طبری» بعد از مرگ منصوری نوشت: «به‌نظر می‌رسد پرونده موسوم به طبری دارای ابعادی غیر اقتصادی هم هست. بدون وجود شبکه‌هایی فعال در هر ۳ قوه و چه بسا نهادهای دیگر بعید است فسادی شکل بگیرد که یک متهمش در رومانی از دنیا رانده شود. نکند سر و ته پرونده زده شود. لطفا مراقب #داروی_نظافت باشید.» از سمت دیگر عبدا... گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان، در توئیترش نوشت: «بدون تردید اگر #قاضی_منصوری کشته شده باشد (خودکشی نکرده باشد)، تنها و تنها هدف حذف وی ضربه به نظام جمهوری اسلامی است، چون محاکمه وی تنها راه مفید برای ایران بود و راه دیگری نداشت. از فردا تحلیل‌ها را ببینید.»

علی شکوری راد دبیر کل حزب اتحادملت هم توئیت کرد: «مرگ #قاضی‌منصوری پس از اینکه مشخص شد به‌زودی به ایران بازگردانده خواهد شد را نمی‌توان ساده دانست. او را باید #سعیدامامی ۲ تلقی کرد. دانسته‌های او ظاهرا باید با خود او به زیر خاک می‌رفت. کسانی که در دوران مسئولیت خود بدون توجه به قانون خودشیرینی و امتثال امر بکنند، سرنوشتشان همین است.» این موضع گیری‌ها در بین مردم هم با کمی شدت و ضعف و با چاشنی شایعه و اغراق دنبال می‌شود. رسمی‌ترین موضع گیری در این باره فعلا از سمت پلیس رومانی بوده که از پیدا شدن جسد او در ورودی لابی و داخل هتل گفته است و نه خارج از آن. همچنین وکیل او در صحبت‌هایی گفته است که با توجه به شناختی که از منصوری داشته احتمال خودکشی او منتفی است، چراکه در آخرین صحبت‌ها با این قاضی، او از بازگشتش به ایران و دفاع از خود در برابر اتهاماتش صحبت کرده است. به‌هرحال با گذشت این مدت کوتاه نمی‌توان خبری قطعی یا گمانه‌زنی صددرصد درباره قتل او داشت.

Instagram

رضا حیدری شاه بیدک
عکاس افغانستانی

این روزها مدام درگیر ۲ رنگ سیاه و سفید هستم. ماجرا با اتفاق تأسف‌باری که برای شهروند سیاه‌پوست آمریکایی رخ داد آغاز شد.

۱- برایم سؤال پیش آمده که اعتراضات مردم آمریکا و خیلی از کشورها در قبال آن اتفاق، به دلیل رفتار بد پلیس با یک شهروند آمریکایی بوده است یا مردم از این عصبانی‌اند که این رفتار با یک شهروند سیاه‌پوست آمریکایی شده است؟

۲- مبین پسر کوچکم ۷ سال دارد. رنگ پوستش کمی تیره‌تر از برادرش است. فامیل نزدیک گاهی برای شوخی، او را با الفاظ پسر سیاه، سیاقلی صدا می‌زنند و گاهی اوقات که از شلوغ‌کاری‌اش به تنگ می‌آیند می‌گویند تو قیر هستی. هرچند بارها به روش‌های مختلف ناراحتی خودم را به آن‌ها نشان داده‌ام و از تأثیر منفی این رفتار بر روحیه کودک گفته‌ام اما باز همان آش و همان کاسه است. این رفتار غلط را همچنان تکرار می‌کنند. چندین بار مبین به دلیل این رفتار اطرافیان به من شکایت کرد و من سعی می‌کردم به او بفهمانم که اولا او سیاه نیست و پوستش برنزه است و ثانیا برنزه‌ها خیلی هم جذاب‌تر از سفیدها هستند اما انگار گوشش به حرفم بدهکار نبود. این ماجرا تقریبا هفته‌ای یکی‌دو بار تکرار می‌شد. او شکایت از سیاهی و من ستایش سیاهی.

۳- امشب که باز از پارک بر می‌گشتیم رقیه‌جان گفت: فلان خانم سیاه‌پوست که عنوان خودش را ملکه تاریکی گذاشته است با آقایی سفیدپوست ازدواج کرده و بچه‌شان قهوه‌ای شده است. من براساس محاسباتم گفتم قاعدتا باید خاکستری می‌شد و اینکه چرا قهوه‌ای شده است خدا می‌داند.

سخن کوتاه، اینکه زیبایی آدم به چه چیزهایی بستگی دارد، می‌تواند به تعداد انسان‌های روی زمین دیدگاه‌های متفاوت وجود داشته باشد. آنچه مهم است انسانیت، مهربانی و احترام است و اینکه هرکدام از ما با هر وضعیتی در کنار یکدیگر احساس امنیت کنیم.

Tweets

سید ناصر نعمتی | فعال رسانه ای
@Seyyednaser

ماجرای #رومینا و #ریحانه_عامری واقعا ابعاد فرهنگی نداشت؟ حدود ۲۰ ستاد و نهاد فرهنگی داریم و هیچ‌کدام برنامه‌ای برای تبدیل این تهدید به یک فرصت فرهنگی‌آموزشی ندارند. عجیب نیست؟

پ.ن: راستی چند روز دیگر ولادت حضرت معصومه است و روز دختر.

فاطمه پاقلعه‌نژاد| خبرنگار
@Fapaghalenejad

وقتی زنگ می‌زنید به کسی که عزیزش روی تخت بیمارستان داره با مرگ می‌جنگه مدام نپرسید از کی گرفت؟ چه‌جوری گرفت؟ مگه رعایت نمی‌کردید؟ مطمئن باشید اون خودش صبح تا شب، شب تا صبح با هزار تا سؤال از این دست درگیره و براشون دنبال جواب می‌گرده و عذاب می‌کشه.

ابراهیم سلطانی| نویسنده
@ebsoltani

کامو چه شخصیت جذابی بود؛ رمان‌نویسی خلاق، فیلسوفی خوب، روزنامه‌نگاری اومانیست که زندگی شخصی پرفرازونشیبی داشت، و نمایشنامه‌نویسی که فوتبال را «بدون تردید» بر تئاتر ترجیح می‌داد. کاموی انتزاعی‌اندیش عاشق فوتبال می‌گفت: «توپ هیچ‌گاه از طرفی که فکر می‌کنید نمی‌آید.» دقیقا.

ابراهیم حیدری| روزنامه نگار
@EbrahimHeidari

امروز تولد استاد #کامران_شیردل است. شاگرد نورچشمی آنتونیونی و سازنده مستندهای درخشانی چون «اون شب که بارون اومد»، «قلعه»، «تهران پایتخت ایران است» و البته عکاس کتاب «حوالی انقلاب» فضای مجازی.

امروز ۸۱ ساله می‌شود. عمرش دراز باد!

فرید مدرسی| روزنامه نگار
@faridmod

آقای #امیرحسین_قاضی‌زاده، نایب‌رئیس مجلس توئیت‌های بلندپروازانه می‌زند و بالاتر از رؤسای قوا برای رئیس‌جمهور خط‌ونشان می‌کشد تا به قول قاسم روانبخش، عضو جبهه پایداری، خود را برای انتخابات ۱۴۰۰ مطرح کند؛ بگذریم از رئیس‌پنداری‌اش در هیئت رئیسه. مجلس او را توبیخ نمی‌کند؟

زهرا عرب| روزنامه‌نگار
@zahraarab5

تأمین اجتماعی این ماه هم افزایش حقوق‌ها رو واریز نکرد. در شرایط تورم روزافزون بازنشستگان با سیلی صورت خودشون رو سرخ نگه داشته‌اند و دولت دست درجیب مردم کرده و کشور رو اداره می‌کند. سود این پول‌های بلوکه‌شده به جیب چه کسانی می‌رود؟! از روی پدران و مادران بازنشسته شرم نمی‌کنند؟!

حاشیه‌نگاری

«البرز» فدای زاگرس

کوهنوردی جوان که به جنگ شعله‌های آتش رفته بود به علت شدت سوختگی جانش را از دست داد

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

سر و صورتش ملتهب است و سرخ. صدایش رسا و واضح نیست و دیگر نایی برایش نمانده است. بااین‌حال عزم جزم و اراده ستودنی‌اش در همان صدای رنجوری که از حنجره‌اش بیرون می‌آید عیان است. وقتی از او می‌پرسند: «اگه دوباره آتش‌سوزی بشه می‌ری البرز؟» تعلل نمی‌کند، درنگ نمی‌کند، مکث نمی‌کند، به‌سرعت و بدون کوچک‌ترین تردیدی می‌گوید: «صددرصد.» البرز زارعی یک‌تنه به جنگ آتش رفته است. منتظر نمانده است تا کسی یا چیزی از راه برسد. شاید هم می‌دانسته است اگر خودش دست نجنباند انتظار کشیدن برای آنکه مقام و مسئولی از راه برسد، یا مثلا تجهیزات و امکاناتی، بیهوده است. رفت چون معتقد بود: «رسالت ما حفظ منابع طبیعیه. ما برای طبیعت جونمون رو به خطر انداختیم.» دردناک‌ترش اما وقتی است که مختصر و مفید توضیح می‌دهد چه اتفاقی رخ داده است. تعریف آنچه به او گذشته است البته چند ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد اما فقط خودش و خدای خودش می‌داند لحظات وقوع این حادثه چه رنجی را تحمل کرده است. در حصار آتش گیر افتاد. راه فراری نبود. سوخت و سوختنش را به چشم خود دید. «من داخل یک دیواره گیر کرده بودم. بعد آتش از پایین زبانه کشید و آمد سمت ما. هیچ راه فراری نداشتیم و داخل همان دیواره ماندیم و سوختیم.» البرز، کوهنورد اهل استان کهگیلویه و بویراحمد چند روز در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج بستری بود اما بعد به بیمارستان سوختگی اصفهان منتقل شد و پس از چند روزی که تحت درمان بود، به دلیل شدت سوختگی جان خود را از دست داد. پیکر او که در جریان خاموش کردن آتش‌سوزی جنگل‌های دیل گچساران سوخت، سی‌ویکم خردادددوباره به سرزمین مادری‌اش، یعنی یاسوج، بازگردانده شد.

البرز زنده می‌ماند اگر...

شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که تا همین چندوقت پیش و حتی همین روزها، پر شده بود از دل‌سوزی‌ها و اعلان خطر برای زاگرس و شعله‌های به جان افتاده‌اش، حالا پر شده است از نام و یاد البرز و فداکاری او و انسانیت و شرافتی که داشت و جانش را برای طبیعت وطنش تقدیم کرد. پیش‌تر، وقتی که تصویر و حرف‌های او در فضای مجازی دست‌به‌دست شد، خیلی‌ها برایش طلب صبر و سلامتی کردند و بهبود حال او را با آرزوها و دعاهایشان از خدا خواستند. حالا هم با پیام‌های تسلیت سعی می‌کنند نامش را گرامی بدارند. هم‌زمانی مرگ البرز با ماجرای مرگ پرحاشیه قاضی منصوری البته باعث شد تا برخی از واکنش‌ها سمت‌وسوی مقایسه گونه‌ای بگیرد. در این میان حتی پای طبری و دارایی‌های کلان او هم به میدان باز شد. کاربری نوشته بود: «البرز زارعی و قاضی منصوری هردو در یک روز فوت شدند. البرز عزیز به خاطر وطن در آتش زاگرس سوخت و با عزت جانش را فدای میهنش کرد و قاضی منصوری با اختلاس در کشور غریب.» و دیگری نوشته بود: «البرز زارعی قربانی بی‌کفایتی مسئولان شد. اگر درصدی از پول‌هایی را که امثال طبری و منصوری دزدیدند خرج تجهیزاتی مانند بالگرد و... می‌کردند و اگر مدیریت بحران به وظایفش عمل می‌کرد البرز امروز زنده بود.» اتفاقی که برای البرز افتاد واکنش برخی از چهره‌ها را هم به دنبال داشت. هانیه توسلی عکس البرز زارعی را پست کرد و با هشتگ مدیریت بحران نوشت: «البرز زارعی فدای زاگرس شد.» صدرا محقق، روزنامه‌نگار، نیز در استوری اینستاگرام خود نوشت: «متأسفانه البرز زارعی، کوهنورد اهل گچساران که در حین تلاش داوطلبانه برای خاموش کردن آتش‌سوزی کوه دیل گرفتار آتش و دچار سوختگی شدید شد، امروز از دنیا رفت. زارعی چندین روز در یکی از بیمارستان‌های اصفهان بستری بود.» و در انتها نوشت: «امیدوارم برنامه و بنای یادبود درخوری برای او که جانش را فدای حفاظت از طبیعت ایران کرد تدارک دیده شود.» البرز حالا دیگر نیست اما بعید است صدایش که روی دامنه کوه ایستاده و می‌خواند: «چو ایران نباشد تن من مباد!» از ذهن وطن‌دوستان و طبیعت‌دوستان پاک شود.

سوژه روز

نیم‌طبقه تخلف برای نهاد ریاست‌جمهوری!

ماجرای ملک دولت در جماران چه بود؟

«بنایی با متراژ ۴۰۰۰ متر به‌عنوان ملک و ساختمان شخصی رئیس‌جمهور در منطقه جماران در حال ساخت است.» این شایعه‌ای بود که در چند روز اخیر دست‌به‌دست در فضای مجازی می‌چرخید و از رسانه‌ای‌ها گرفته تا عضو شورای شهر تهران درباره آن سخن گفتند؛ البته هرکدام با کمی تفاوت در اعداد و ارقام. محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران، با انتشار یک عکس، نوشته بود: «تخریب بنای طبقه غیرمجاز نهاد ریاست جمهوری با نظارت همکارانم در شورای اسلامی شهر.» اگرچه این توئیت از یک سمت شایعات و حرف‌وحدیث‌ها را موثق‌تر نشان داد، اما توضیح شهرداری منطقه یک تهران از سویی دیگر ماجرا را روشن‌تر کرد. آن‌طور که حمید موسوی، شهردار منطقه یک تهران، به ایسنا گفته است: «در حین اجرای کار، مأموران شهرداری متوجه ساخت یک نیم‌طبقه برخلاف ضوابط مصوب شدند که عصر ۲ روز پیش (جمعه)، مأموران اجرائیات نسبت به تخریب آن اقدام کردند؛ این ملک متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری است و ملک شخصی نیست، اما متأسفانه در فضای مجازی اخباری مبنی بر تخریب ملک رئیس‌جمهور منتشر شده است که صحت ندارد.» او با بیان اینکه ۶سال پیش مجوز گودبرداری در ملکی متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری در جماران صادر و در نهایت یک گود ۱۴متری حفاری شد، اضافه کرد: اما بعد از مدتی این گود به‌حال خود رها شد و به‌مرور زمان به‌علت عمر محدود سازه نگهبان در زمره گودهای پرخطر قرار گرفت.

تا پیش از توئیت حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران، نهاد ریاست‌جمهوری واکنشی به این شایعه نشان نداده بود. بعد از توئیت حق‌شناس، روابط‌عمومی نهاد ریاست‌جمهوری در اطلاعیه‌ای شایعات مربوط را مبنی بر ساخت بنایی با متراژ ۴۰۰۰متر به‌عنوان ملک و ساختمان شخصی رئیس‌جمهور در منطقه جماران تکذیب کرد. در این اطلاعیه آمده بود که «ملک مذکور از جمله املاک قدیمی متعلق به نهاد ریاست‌جمهوری است و به‌هیچ‌وجه مالکیت شخصی ندارد و در سال‌های گذشته نیز از سوی نهاد ریاست‌جمهوری مورد استفاده قرار گرفته است. این ملک قدیمی بر اثر گذر زمان و عدم رسیدگی در سال‌های گذشته دچار آسیب‌های جدی شده و به‌شکل نیمه‌مخروبه درآمده بود که در چند سال قبل برای ساخت گودبرداری شده بود. رهاشدن گودبرداری مورد اعتراض همسایگان بود و بیم آن می‌رفت که به منازل آنان نیز آسیب بزند؛ به‌همین جهت ساخت آن در سال گذشته در دستور کار قرار گرفت. کاربری ملک مذکور مسکونی و شخصی نبوده و کاربری این ساختمان اداری است و انتشار خبر ساخت منزل مسکونی برای رئیس‌جمهور در عین کذب‌بودن، یک شیطنت آشکار و کاملا با اغراض مشخص صورت گرفته است. ساخت این ملک با هماهنگی کامل با شهرداری تهران انجام شده و موضوع تخلف و ساخت خارج از روابط نیز کاملا فاقد حقیقت است. این خبرسازی کذب براساس برخی قرائن موجود از سوی کسانی صورت گرفته که طی سال‌های گذشته برنامه‌ای برای این ملک داشته‌اند که به‌علت عدم توفیق در رسیدن به اهدافشان، دست به فضاسازی‌هایی این‌چنین زده‌اند.»

معرفی فیلم

پلتفرم (Platform)
یک فیلم اسپانیایی در ژانر علمی‌تخیلی، ترسناک و مهیج، به کارگردانی «گالدر گازتلو اوروتیا» است. این فیلم نخستین بار در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به‌روی پرده رفت و با استقبال مردم و منتقدان همراه شد. داستان فیلم مربوط به یک سازه عمودی است که تعداد زیادی انسان در آن زندانی هستند.

با اسکن این بارکد می توانید این فیلم را از فیلیمو تماشا کنید

بریده کتاب

هر مرحله‌ای از زندگی مستلزم دست کشیدن است. هر پیشرفت به معنای طرد یا پشت سر گذاشتن چیزی کهنه است. درنتیجه، برخی مواقع حذف، نه تنها چیزی را از شما نمیگیرد، بلکه چیزی به شما اضافه می‌کند.

چشم دل بگشا
کاترین پاندر